

پاسخ به يك ضرورت ديرين

• سید علی محمد رفیعی

کامل جنة (مثل دانه‌ای است - مثل بوستانی است) که جنة، حبة خوانده شده است و در بسیاری موارد: السموات (آسمان - آسمانها) و مانند ۷۴/۲۵ که من ازواجنا و ذریاتنا به من ازواجنا ذریة ترجمه شده است. و برخی مربوط به نکته‌ها و ریزه‌کاری‌های آیات است. مانند: ۱۷۴/۲: ما یأکلون فی بطونهم الاالنار (جز آتش جهنم نصیب آنها نباشد). توجه شود که به مفهوم جالب آیه - که خوردن آتش و فروبردن آن در شکم است

اساس آن دو نسخه صورت گیرنده بر اساس متون چاپی و مغلوط موجود در بازار. در این نوشتار نیز هر جا سخن از ترجمه قرآن مهدی الهی قمشه‌ای می‌رود، مقصود همان نسخه اولیه است که خوشبختانه صاحب این قلم، هر دو تحریر و چاپ متن همراه با ترجمه را در اختیار دارد. نخستین متن و تحریر مربوط به سال ۱۳۲۷ و متن و تحریر دوم دارای تاریخ ۱۳۳۹ خورشیدی است.

نکات مثبت و منفی ترجمه الهی قمشه‌ای ترجمه و خلاصه تفسیر شادروان الهی قمشه‌ای از قرآن کریم دارای مزایا و معایبی است. مزایای آن را در سه مورد می‌توان خلاصه کرد:

۱. اخلاص و صفای باطن مترجم که بی‌شک در عبارات این ترجمه تأثیر نهاده و نورانیت خاصی بدان بخشیده است و خواننده را در مواردی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲. قلم روان و انشای سلیس مترجم که فهم عبارات آن را آسان کرده است.

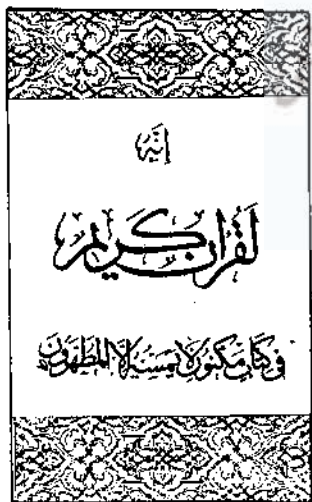
۳. دارای خلاصه‌التفسیر است و توضیحات و پانوشته‌های مفیدی به صورت کوتاه یا بلند در میان پراکنده دارد که فهم آیه را روشن می‌سازد. اما ویژگی‌های منفی این ترجمه اندک نیست و برشماری آنها در این مقاله نمی‌گنجد. در این جا این نواقص را دسته‌بندی می‌کنیم و از هر کدام چند نمونه نشان می‌دهیم. (شماره قبل از ممیز مربوط به سوره و بعد از ممیز مربوط به آیه، و علامت پیکان مربوط به ترجمه صحیح است).

۱. کمبود فقت. در این بخش نمونه فراوان است. برخی مربوط به بی‌توجهی به ضمائر است که مفرد به جمع و به عکس، و غایب به حاضر و به عکس ترجمه شده است. مانند: ۲۸/۲: ترجعون (باز خواهید گشت - بازتان خواهند گردانید): ۱۶۹/۳: ولا تحسبن (البته نپندارید - ... نپندار!)؛ ۱۴۵/۳: و سنجزی الشاکرین (سپاسگزاران را جزای نیک خواهد داد - ... خواهیم داد). برخی مربوط به بدخوانی کلمه است، مانند: ۲۶۵/۲:

ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی امروزی، نخستین بار به نام حکیم فرزانه مهدی الهی قمشه‌ای رقم خورد و گرچه پس از آن نیز ترجمه‌های دیگری به زبان روز پدید آمد؛ اما ترجمه الهی قمشه‌ای از نظر شهرت و شمارگان گوی سبقت را از همگان ربوده است و می‌ریاید.

بخشی از این استقبال مردمی مرهون صفا و اخلاص مترجم و زبان سلیس و آمیخته با خلاصه تفسیر این ترجمه است و بخشی از استقبال ناشران به استفاده از این ترجمه، به خاطر آن است که ناشر مجبور نیست مبلغی را به عنوان حق الترجمة به خانواده مترجم مرحوم بپردازد.

آنچه امروزه به نام ترجمه الهی قمشه‌ای از قرآن کریم در دست مردم می‌گردد، عبارت است از ترجمه اولیه آن مرحوم به نام مستحب التفسیر که به خاطر مرور زمان و چاپ‌های متعدد و گوناگون و گاه از روی یکدیگر، با اغلاط و افتادگی‌های بسیاری همراه شده است. نسخه نخستین ترجمه الهی قمشه‌ای، نخستین بار به خط نستعلیق خوشنویس بزرگ معاصر شادروان استاد سیدحسین میرخانی منتشر شد. از ویژگی‌های این نسخه از دیدگاه خوشنویسی یکی این است که متن قرآن مجید به خط نستعلیق به عالم هنر و قرآن هدیه شده است و هم کل متن و ترجمه قرآن به صورت روبه‌رو، اثری ماندگار از استادی بزرگ در خوشنویسی معاصر است (تا آنجا که نگارنده اطلاع دارم، شادروان استاد سیدحسین میرخانی دست کم دو بار متن قرآن و دوبار ترجمه الهی قمشه‌ای را به خط نستعلیق کتابت کرده است. در مجموع، دو نسخه از قرآن مجید با ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای و دو نسخه از قرآن بدون ترجمه (تحریر ۱۳۳۳ و ۱۳۳۹) به خط نستعلیق شیوا، زیبا و استادانه از مرحوم استاد حسین میرخانی موجود است). غرض این که ترجمه اصلی و اولیه شادروان مهدی الهی قمشه‌ای از قرآن کریم همان است که به خط استاد حسین میرخانی کتابت شده است و هرگونه قضاوتی درباره ترجمه الهی قمشه‌ای باید بر



و این که آنچه با مال حرام خورده می شود تجسم پیدا می کند و در شکم به آتش تبدیل می گردد - عنایتی نشده است.

و برخی مربوط به عدم توجه به قرائت مرسوم قرآن است. مانند: ۱۴۶/۳؛ فکائین من نی قاتل معه ربیون کثیر (چه بسیار رخ داده که پیغمبری جمعیت زیادی از پیروانش در جنگ کشته شده ... جمعیت زیادی از پیروانش همراه او جنگیدند) که آن مرحوم آیه را بر اساس قرائت قبل ترجمه کرده است.

۲- ضعف ادبی؛ مانند: ۱۷/۲؛ اضاءت ما حوله (اطراف خود را روشن ساخت - اطراف او را روشن ساخت). زیرا اگر ضمیر به نار بازمی گشت باید حوله می بود. ۳۲/۲؛ کنتم تکتمون (پنهان دارید - پنهان می داشتید). ۵۸/۳؛ والذکر الحکیم (و ذکر حکمت‌های خدای حکیم است - و ذکر حکیم (یعنی قرآن) است) (صفت و موصوف به صورت مضاف و مضاف‌الیه درآمده است). ۱۵۲/۳؛ علی ما فاتکم و لا ما اصابکم (برای از دست رفتن یا به دست آوردن چیزی ... - برای از دست رفتن چیزی یا مصایبی که به شما می رسد). (توجه شود که ما اصابکم به ما اصبتم ترجمه شده). ۱۶۴/۳؛ و ان کاتوا من قبل ... (هر چند که پیش از آن ... - و همانا پیش از آن ...). موارد دیگر این مؤکده نیز این وصلیه ترجمه شده است. ۱۷۰/۳ و ۱۷۱؛ ۱۷۱؛ یستبشرون بالذین ... یستبشرون بنعمه ... (بشارت و مژده دهند به آن مؤمنانی که ... بشارت به نعمت و فضل خدا دهند - شادمانند از احوال مؤمنانی که ... شادمانند به نعمت و فضل خداوند) (یستبشرون به یبشرون ترجمه شده است). از این دست است ۲۲/۷؛ فذلّیها بفرور (پس راهنمایی به فریب و دروغ کرد - پس با فریبی آنان را (از آسمان به زمین) فرود آورد) که دلی، دل پنداشته شده است. و ۱۵۶/۷؛ انا هدنا الیک (ما به سوی تو هدایت یافته ایم - ما به سوی تو توبه آوردیم) (هود با هدی اشتباه شده است). همچنین در ۴/۱۱۴؛ من شرالوسواس الخناس و ۳۱/۱۰۵؛ ابابیل، خناس و ابابیل به صورت اسم ترجمه شده‌اند. در ۳۲/۹ نیز در «م» تأکید فلیعلمن، به لام غایت ترجمه شده است. همچنین موردی است که فاعل، مفعول دانسته شده است و به عکس. از جمله ۱۶/۵۳؛ السنرة، ۳۶/۲۶؛ ارجه و اضاها، ۳۹/۲۲؛ یقاتلون، ۶/۹۹؛ لیزوا اعمالهم، ۱۴/۵۴؛ جزاء لمن کان کفراً، و ...

۳. آمیختگی متن و شرح؛ در این باره نمونه‌های فراوانی وجود دارد که به یک مورد اکتفا می شود. ۱۳۳/۳؛ ولقد کنتم تمون الموت من قبل ان تلقوه، فقد رايتوه و اتم تنظرون (و شما بعد که با کمال شوق آرزوی کشته شدن در راه دین می کردید پیش از آن که دستور جهاد برای مسلمین بیاید. پس چگونه امروز که به جهاد مأمور شدید سخت از مرگ نگران می شوید؟ - و محققاً شما (پس از جنگ بدر شوق شهادت در سر داشتید و) پیش از روبرو شدن با مرگ (در جنگ احد) آرزوی مرگ می کردید و اینک (در جنگ احد) آن را عیان می بینید و

بدان می نگرید (اما اقدام نمی کنید و خود را به کام مرگ نمی فرستید!)

ملاحظه می شود که ترجمه فوق اولاً از نظر تفسیری درست نیست، زیرا آیه مربوط به پس از جنگ بدر است که دستور جهاد آمده بود نه مربوط به زمانی که هنوز حکم جهاد نرسیده بود؛ ثانیاً متن و شرح چنان به هم آمیخته است که امکان جداسازی وجود ندارد. ثالثاً تنظرون به معنای نگرانی و اضطراب گرفته شده است. اصلاح شده این آیه چنین است: و بیگمان شما (با کمال شوق) آرزوی مرگ (و کشته شدن در راه دین) می کردید پیش از آن که (جنگ احد) فرارسد و آن را (رویاری) ببینید. پس اینک آن را دیدید و به آن می نگرید (پس چرا اقدام نمی کنید بلکه سخت از مرگ نگرانید؟)

۴. نقل به معنی؛ در این بخش موارد بی شماری وجود دارد. از باب نمونه، در ۷۸/۳؛ یلویون السننهم بالکتاب (زبانشان را به خواندن کتاب می چرخاندند) ترجمه شده است: (قرائت کتاب آسمانی را تغییر می دهند).

۵. افتادگیها؛ این مورد هم دارای نمونه‌هایی است. از جمله در ۷/۳ عبارت و ابتغاء تأویلها، و در ۱۵۱/۲ کلمة منکم در رسولاً منکم و در ۶۱/۳ انفسنا و انفسکم و در ۳۶/۵۴ نجیناهم بسحر ترجمه نشده است. نیز واوهای عطف به جملات محذوف ترجمه نگردیده است، مانند ۱۴۰/۳ و امثال آن.

۶. نقص ویرایش؛ این ترجمه از ویرایش صحیحی در زمینه تفکیک متن و تفسیر و تمامیت عبارات داخل و خارج پرانتز برخوردار نیست و موارد آن از حد شمار بیرون است. اصولاً جای پرانتزها حساب و کتابی ندارد. ۷. اجمالها و تفصیلهها؛ در موارد بسیاری شرح لازم نبوده و شرح داده شده است. در موارد بسیاری نیز از توضیح لازم صرف نظر گردیده است. ذکر نمونه‌های آنها به طول می انجامد.

۸. تفسیر غلط؛ تنها به یک مورد اشاره می شود. در ۳۴/۸ اولیاه (سرپرستان و متولیان کعبه) به معنای

دوستان خدا گرفته شده است. از این نمونه بسیار است. ■ نیاز به اصلاح

به خاطر آنچه گفته شد و به خاطر استقبال مردم و شمارگان بسیار این ترجمه، ضروری می نمود که اصلاحها و ویرایشهای لازم در این ترجمه صورت پذیرد. چند سال پیش از سوی فرزند مترجم، آقای دکتر حسین الهی قمشهای ترجمه اصلاح شده‌ای ارائه شد که توسط انتشارات صالحی و سپس انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است. این اصلاحات بیشتر در حد بعضی الفاظ و جا به جا کردن برخی افعال و اصلاح برخی اغلاط خیلی مشهور است و ویرایش اساسی به شمار نمی آید. اخیراً ترجمه‌ای از مرحوم الهی قمشهای با ویرایش آقای حسین استادولی به همت یکی از ناشران قدیمی یعنی دارالکتب الاسلامیه به چاپ رسیده است. ویراستار کتاب، در عرصه قرآن و قرآن پژوهی به ویژه دقت در ترجمه قرآن صاحب نام است. پیش از این ترجمه مرحوم دکتر سیدجلال الدین مجتبیوی از قرآن حکیم با ویرایش وی به کوشش انتشارات حکمت منتشر شده است و خود نیز ترجمه‌ای از قرآن را به پایان رسانده که در دست طبع است. ویرایش ترجمه قرآن شادروان الهی قمشهای سومین کار کامل و مستقل آقای استادولی در ترجمه قرآن به حساب می آید.

■ روش کار
همان گونه که گفته شد در ترجمه مرحوم الهی قمشهای از قرآن کریم خلط متن و شرح بسیار است و شروع غیر ضروری، بی اندازه. مثلاً در بیشتر جاها، مرجع ضمیرها ظاهر شده و مفعول و متعلقات فعلها و صفاتی از قبیل یعلم، عالم، سمیع، بصیر و ... بیان شده است که مثلاً عالم به چه و شنوای چه. ویراستار به خاطر حفظ امانت در کلام الهی و رعایت اصول فنی ویرایش، تا حد ممکن میان متن و شرح جداسازی کرده است اما به گونه‌ای که اگر پرانتزها حذف شود هیچ گونه خللی در متن ایجاد نگردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنُ ﴿١﴾ عِلْمُ الْقُرْآنِ ﴿٢﴾ خَلْقُ الْإِنْسَانِ ﴿٣﴾
عِلْمُهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ مُجْتَبَانِ ﴿٥﴾ وَالنَّجْمُ
وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ﴿٦﴾ وَالسَّمَاءُ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿٧﴾
أَلَّا تَطْغَبُوا فِي الْمِيزَانِ ﴿٨﴾ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ
وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿٩﴾ وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ﴿١٠﴾

درباره همه تفسیرهایی که مترجم آورده است، ویراستار نخست به تفسیر مجمع البیان و گاه به تفاسیر دیگر مراجعه کرده است. اگر تفسیر مذکور با قول یکی از مفسران تطبیق داشته، همان را باقی نهاده و تصرفی در آن نکرده، گرچه خود به قول دیگری معتقد بوده است. مثلاً در ۱۶۷/۳: «برای لونه علم قتلاً لاتعناکم دو وجه گفته اند: ۱. «اگر این جنگ را واقعاً جنگ می دانستیم (که جنگ نیست بلکه خودکشی است) با شما به جنگ می آمدیم». ۲. «اگر با فنون جنگی آشنا بودیم...» مرحوم مترجم قول دوم را برگزیده است. اما اگر تفسیر با هیچ قولی و با ظاهر آیه نیز مطابق نبود (که به ندرت چنین بوده است) آن را حذف یا اصلاح کرده است. مانند ۱۴۳/۳ که شرح آن گذشت.

ویراستار در مورد یکدست سازی ترجمه واژه ها اقدامی نکرده است. زیرا این کار با سبک مترجم منافات داشته و عملاً نیز امکان پذیر نبوده است. در واژه هایی که همه یکدست ترجمه شده است (گرچه خیلی دقیق نبوده است) باز هم اصلاحی صورت نگرفته است. مثلاً عزیز حکیم در همه جا «توانا و دانا» یا به همین مفهوم و مضمون ترجمه شده است و در ویرایش باقی مانده است؛ زیرا اولاً غلط نیست، ثانیاً گاهی عبارات به گونه ای است که قابل تبدیل نیستند.

هر کلمه یا جمله اضافی - چه به منظور تکمیل عبارت که باید در قلاب [] آورده شود و چه به منظور شرح که عبارتی جدا و مستقل است و باید در پرانتز () آورده شود - همه در پرانتز آورده شده است، زیرا شرح مرحوم الهی قمشه ای شرح مزجی است و عبارات به گونه ای است که به عنوان مکمل متن خوانده می شوند، مگر در موارد بسیار اندک که قابل ذکر نیستند.

ویراستار در اصلاح ترجمه، به نقدهایی نیز که بر ترجمه الهی قمشه ای نوشته شده مراجعه کرده است.

کاستیهای چاپ

خوانندگان گرامی این مقاله فکر نکنند که بنده - یعنی نویسنده این مطلب - اطلاعات مربوط به کار ویراستار و چهارچوبهای آن را از مؤخره یا مقدمه این

ترجمه ویرایش شده و به چاپ رسیده استخراج کرده ام. که کاش چنین بود. مأخذ اصلی این اطلاعات، مقاله ای است که ویراستار ترجمه (آقای حسین استادولی) در صفحات ۱۴۸ تا ۱۵۵ شماره ۸ فصلنامه قرآنی بنیاد (زمستان ۱۳۷۴) با عنوان گزارشی از ویرایش جدید و کامل ترجمه قرآن شادروان مهدی الهی قمشه ای نوشته است.

حتماً خواهید پرسید که چرا چنین اطلاعات ضروری و ارزشمندی در ابتدا یا انتهای این چاپ ویرایش شده از ترجمه مرحوم الهی قمشه ای نیامده است. تا خوانندگان به ضرورت کار، همت ناشر و زحمتهای ویراستار پی ببرند و دست اندرکاران این طبع جدید را دعا کنند.

اشکال بجایی است. بنده هم نمی دانم که چرا هر گاه پای نوشتارهای ضروری برای یک کتاب، یا ویرایش صوری، تصحیح متون، نمونه خوانی و غلط گیری و ملاحظات نرم افزاری کار کتاب به میان می آید، برخی از ناشران قدیمی حتی گاه در حد یک ناشر تازه کار سطح پایین نیز کاردانی از خود نشان نمی دهند. کتابهای این ناشران - اگر بخواهند کار نفیس ارائه کنند - رنگ و لمایی جذاب و کاغذ و جلدی اعلا دارد که سر به میلیونها تومان خرج می زند، اما در پی از مثلاً صد هزار تومان که برای نسخه پردازی یا نمونه خوانی آن صرف شده باشد. این گونه ناشران اصولاً برای چنین فعالیتهایی یا ارزش و ضرورتی قائل نیستند یا چنان حق الزحمه های اندکی برای آنها می پردازند که کمتر نسخه پرداز یا نمونه خوان قابلی حاضر به همکاری با آنهاست.

در ترجمه ویرایش شده حاضر، تنها یک صفحه برای ویراستار در نظر گرفته شده است تا در آن بگوید که مرحوم الهی قمشه ای که بود، ترجمه او چه ویژگیها و چه کاستیهایی داشت، ویراستار چه کرده است و ناشر چه همتی به خرج داده است (۱) این در حالی است که افزودن ۸ صفحه به انتهای کتاب - حتی با کاغذ گلاسه - نه تنها در مجموع هزینه چاپ نسبت قابل توجهی را به

خود اختصاص نمی داد، بلکه چندین برابر به ارزش معنوی کار ویراستار و ناشر می افزود.

آنچه درباره ضعف کار برخی ناشران گهنگار گفته شد، در این اثر کاملاً هویداست. نوشتار روی جلد، حاوی نام ویراستار، کج است. در صفحه شناسنامه اغلاط مطبعی چندی به چشم می خورد که به جای زحمت تهیه نمونه دوم یا دست اصلاح شده اند. در همین صفحه چند کلمه ای، اگر نگاهی از نظر ویرایش زبانی و نگارشی بیندازیم، بهتر می بینیم که واژه های خطاط، تیراز، پلاک، فاکس، می باشد و از این قبیل را به خوشنویس، شمارگان، شماره، دورنگار یا نمابر، است و از این دست تغییر دهیم. القرآن الکریم داخل شمس صفحه اول و القرآن سرفصل سوم در الدعاء عند قراة القرآن می باید به صورت القرءان یا القرآن نوشته می شدند. در صفحه آخر که توضیحات ویراستار آمده است، عنوان مؤخره یا سخن ویراستار را نمی بینیم. در عوض، یک بسم الله الرحمن الرحیم در سر صفحه (سرلوح) آمده است و یک بسمه تعالی بالای مطلب ویراستار، متن نیز خالی از اغلاط مطبعی و کاستیهای ادبی نیست.

ارزویی دیرین

بررسی میزان توفیق آقای حسین استادولی در ویرایش ترجمه و خلاصه تفسیر شادروان مهدی الهی قمشه ای موضوع مقاله ای مستقل است که می تواند بر مبنای مقایسه متن اصلی و متن ویرایش شده صورت پذیرد. اما آنچه مسلم است این که چنین کار ضروری، آرزوی دیرین همه قرآن پژوهان بود و اگر گزاف نگوییم مترجم مرحوم نیز از جهان دیگر به اصلاح کار خویش چشم داشت. ویراستار از کارشناسان صاحب نام علوم قرآن و از خبرگان متون کهن ادبیات عرب و نکات دستوری آن است و از وسواسی ستودنی و پشتکاری وافر مایه می گیرد. بنا بر این می توان پیشاپیش و قبل از هر گونه داوری جزء به جزء و دقیق، امید داشت که این ویرایش کامل، دست کم از نظر دقت، بیشترین خدمت ممکن را به آن ترجمه مقبول کرده باشد. ■